پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱
صص ۱۶۵-۱۸۴ (مقاله پژوهشی)

No. 30, Spring & Summer 2022

واکاوی جواز شرعی وقف پول

سیدمهدی سیدخاموشی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱/۱۷ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۴/۷)

چکیده

یکی از مسایل اختلافی در موضوع وقف، بحث از جواز یا عدم جواز وقف پول است. در این خصوص دیدگاههایی از عدم جواز، تردید در جواز، جواز به صورت مشروط و جواز بدون قید و شرط در بین فقهای شیعه وجود دارد. این اختلاف در بین فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز کم و بیش وجود دارد. مخالفان جواز و نیز تردیدکنندگان، عقیده خود را بر این دلیل استوار کرده‌اند که در وقف پول، عین آن باقی نمانده بلکه در مسیر اضمحلال قرار می‌گیرد و در نتیجه منفعتی بر چنین وقفی مترتب نخواهد بود. در مقابل موافقان جواز معتقد به حفظ عین موقوفه بوده و وقف پول را با فرض انتفاع مستمر موقوف‌علیهم بلامانع اعلام کرده‌اند. مستند عقیده موافقان، وجود روایاتی است که ناظر برحفظ عین موقوفه و بلکه مالیت و ارزش ذاتی آن است، همانگونه که در قرض‌الحسنه و عاریه، اصل بر بقای عین تقدینگی و استرداد آن به صاحبان اموال است.

کلید واژه‌ها: *وقف پول، قرض‌الحسنه، عاریه، موقوفه، امامیه، مذهب اربعه.*

---

۱. استادیار دانشگاه شهید مطهری (مدرسه عالی شهید مطهری)، تهران، ایران؛ riasat@oghaf.ir

۱- بیان مسأله

از جمله سنت‌های دینی که جهت انجام امور خیر و با نیت از بین بردن فقـر در جامعـه وجود دارد، سنت وقف است. وقف به این معنی است که شخصی تمام یـا بخشـی از امـوال خود را به انجام امور خیر اختصاص دهد به‌گونه‌ای که اصل مال بـه قـوت خـود سـالم و دست نخورده باقی مانده و منافع حاصل از آن صرف امور خیریـه و اجتمـاعی مـی‌گـردد. چنین وقفی در اصطلاح عرفی صدقه جاریه است زیرا اصل مال همـواره بـاقی اسـت امـا منافع آن در طی زمان استفاده می‌شود در وقف ارکانی وجود دارد کـه عبارتنـد از: واقـف یعنی کسی که به وقف مال و دارایی خود اقدام می‌کند، موقوف‌علیهم یعنی افرادی که وقـف به نفع انها انجام می‌شود و موقوفه که عبارت است از دارایی مورد نظر برای وقف. ماده ۵۵ قانون مدنی در تعریف حقوقی وقف می‌گوید: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حـبس و منافع آن تسبیل شود.» این تعریف یعنی این‌که اصل مال و عین آن ثابت نگه داشته شـود در حالیکه استفاده از منافع آن ادامه داشته باشد. یکی از مصـادیق مـال و دارایـی پـول و نقدینگی است که وجه رایج در هر جامعه‌ای است. با توجه به از بین رفـتن ارزش پـول بـا گذشت زمان و نیز ویژگی پول جهت خرج شدن و از بین رفتن سؤالی که پیش می‌آید ایـن است که آیا وقف پول از نظر اسلام صحیح است یا خیر؟ این مقاله در واکاوی شروط جواز شرعی یا عدم جواز وقف پول سامان یافته است.

۲- بررسی فقهی وقف پول

از دیرباز در فقه شیعه، وقف پول تحت عنوان وقف درهم و دینـار مطـرح شـده اسـت. بررسی کتب فقهی نشان می‌دهد که عمدتاً قائل به عدم صحت وقـف پـول شـده‌انـد لـیکن می‌توان اقوال فقیهان را به چهار دسته نیز تقسیم کرد:

۱. گروهی از فقیهان وقف درهم و دینار را جایز ندانسته‌اند؛ فقیهانی مانند شیخ طوسـی

در مبسوط (۸/۳) ابن ادریس در سرائر (۴/۳)، ابن زهره در غنیه (۵۴۱)، محقق حلی در شرایع‌الاسلام (۴۴۴/۳)، ابن براج در مهذب (۵۷/۲)، ابن سعید حلی در الجامع للشرایع (۴۹)، ابن حمزه در وسیله (۴۹) و مرحوم سبزواری در جامع الخلاف و الوفاق (۴۶).

۲. گروهی دیگر از فقیهان در وقف درهم و دینار تردید کرده‌اند و یا اشکال آن را مطرح نموده‌اند؛ مانند علامه حلی در کتاب قواعد (۲۸/۳)، فخرالمحققین در ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد (۴۹/۱) و مرحوم ملامحسن فیض کاشانی در مفاتیح (۲۸/۳).

۳. برخی از فقیهان با فرض وجود منفعت صحیح عرفی قائل به جواز شده‌اند؛ مانند شهید اول در دروس (۲۹/۲)، محقق ثانی در جامع المقاصد (۵۸/۹)، آیت‌الله خویی در منهاج (وقف درهم و دینار را برای تزئین جایز می‌دانند ولی وقف آن دو را برای حفظ شأن مشکل دانسته‌اند) (۲۲/۲) و سید عبدالاعلی سبزواری در مهذب الاحکام (۴۵/۲۲).

۴. عده‌ای دیگر از فقها وجود منفعت عرفی عقلایی را برای درهم و دینار مفروض گرفته و فتوا به جواز وقف درهم و دینار به جهت آن منفعت عقلایی مفروض داده‌اند؛ مانند علامه حلی در تحریر (۱۲/۳)، شهیدثانی در حاشیه بر شرایع (۱۲) و در مسالک (۳۲۱/۵)، مرحوم سبزواری در کفایه الاحکام (۱۲)، مرحوم سیدمحمد طباطبایی مجاهد در مناهل (۴۹۵) و مرحوم شیخ محمدحسن نجفی در جواهر الکلام. (۸/۲)

برای عدم صحت وقف پول به دو دلیل استدلال شده است که این دو دلیل از منظر فقهی و حقوقی بررسی می‌شود.

۳- شرطیت قابلیت بقای عین موقوفه

عمده دلیل قائلان نظریه عدم صحت وقف پول، فقدان شرط قابلیت بقای عین موقوفه است بدین معنا که بتوان با بقای عین از منافع آن استفاده نمود. حضرت امام‌خمینی راجع به شروط مربوط به عین موقوفه فرموده است:

«چیزی که وقف می‌شود معتبر است که عین باشد، مملوک باشد و بتوان با بقای قابل

توجه عین، استفاده حلال از آن نمود.» (همو، تحریرالوسیله، ۹/۲) حضرت امام در این عبارت، این‌که بتوان با بقای قابل توجه عین از آن استفاده حلال نمود را به‌عنوان شرط سوم برای مال موقوف ذکر فرموده است.

سیدعبدالاعلی سبزواری بعد از آن‌که قابلیت بقای عین را به‌عنوان یکی از شرایط مال موقوف ذکر نموده، در تعلیل آن آورده است: «دلیل اشتراط قابلیت بقای عین موقوفه، حدیث حبس اصل و رهایی منفعت است. علاوه بر آنکه این شرط مورد اتفاق فقیهان شیعه است، پس مالی که انتفاع از آن ممکن نیست مگر با اتلاف عین، چگونه وقفش قابل تصور است با این که وقف مبنی بر دوام مال موقوف است.» (همو، مهذب الاحکام، ۳/۲۲)

عمده دلیل اشتراط قابلیت بقای عین در صحت وقف، روایاتی است که در این زمینه وارد شده و دلالت بر آن دارند که مال موقوفه باید قابلیت بقا داشته باشد. به دو نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

۳-۱. روایت نبوی

طبق روایتی پیامبر مکرم اسلام در پاسخ به کسی که از جنگ خیبر غنایم زیادی نصیبش شده بود و به آن حضرت عرض کرد می‌خواهم با این اموال به خداوند متعال تقرب بجویم، فرمود: «... حبِّس اَلاصْلِ وَ سَبِّل اَلثَّمَرَه یعنی: اصل مال را حبس و ثمره آن را در راه خدا آزاد کن.» (طوسی، الخلاف، ۵۳۸/۳) همان‌طوری که شیخ طوسی اشاره کرده، حبس اصل، دلالت بر قابلیت بقای عین موقوفه دارد و بدان معنا است که اگر مال موقوفه، قابل بقا و ماندگاری نباشد، حبس آن ممکن نخواهد بود در نتیجه وقف چنین مالی صحیح نیست (همانجا،۵۴۰/۲). این روایت گرچه از جهت سند معتبر نیست، لکن مورد عمل مشهور فقیهان قرار گرفته و طبق اصل پذیرفته شده در نزد قاطبه فقیهان، ضعف سند روایت با عمل مشهور جبران می‌شود. (مدنی تبریزی، ۱۲۶/۲)

۳-۲. صحیحه عبدالرحمن بن حجاج

«أَبُو عَلِيٍّ اَلْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اَلْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ اَلْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عبدالرحمن بْنِ اَلْحَجَّاجِ قَالَ: بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو اَلْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ بِوَصِيَّةِ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ ... وَ إِنَّهُ يَشْتَرِطُ عَلَى اَلَّذِي يَجْعَلُهُ إِلَيْهِ أَنْ يَتْرُكَ اَلْمَالَ عَلَى أُصُولِهِ وَ يُنْفِقَ ثَمَرَهُ حَيْثُ أَمَرْتُهُ بِهِ مِنْ سَبِيلِ اَللَّهِ ...؛ ابن حجاج می‌گوید، امام کاظم‌ؑ وصیت حضرت علی‌ؑ را برای من فرستاد. حضرت در این وصیت شرط کرده بر کسی که متصدی امر موقوفه شده، لازم است اصل مال را چنان‌که هست باقی بگذارد و درآمد و ثمره آن را مطابق دستور مصرف کند.» (کلینی، ۴۹/۷)

به‌موجب این روایت که به‌تصریح علامه مجلسی از جهت سند صحیح است (مجلسی، مراة العقول، ۸۳/۲۳)، حضرت علی‌ؑ متولی را موظف به حفظ عین موقوفه نموده و این بدان معنا است که مال موقوف باید قابلیت بقا داشته باشد وگرنه حفظ و نگهداری آن معنا نخواهد داشت. قانون‌گذار نیز با تبعیت از نظریه مشهور فقیهان قابلیت بقا را به‌عنوان یکی از شرایط عین موقوفه ذکر کرده و در ماده ۵۸ قانون مدنی آورده است: «فقط وقف مالی جایز است که با بقای عین بتوان از آن منتفع شد اعم از این که منقول باشد یا غیرمنقول مشاع باشد یا مفروز».

٤- دیدگاه صحت وقف پول به‌شرط داشتن منفعت

در مقابل نظریه مشهور برخی گفته‌اند: اگر با بقای عین پول، منفعتی برای آن قابل تصور باشد، مثل تزیین مجالس، وقف اشکال ندارد؛ زیرا عدم صحت وقف پول بر این پایه استوار بود که هنگام انتفاع، عین و اصل آن باقی نمی‌ماند و منتقل به دیگری می‌شود، لذا وقتی بتوان با حفظ اصل از آن منتفع شد، بطلان وقف وجهی نخواهد داشت. (العاملی، محمدبن مکی، الدروس الشرعیه، ۲۶۹/۲)

صاحب جواهر بعد از آن‌که قول به جواز وقف دراهم و دنانیر را از برخی فقها نقل

کرده، گفته است: یکی از شرایط صحت عاریه آن است که با بقای عین قابل انتفاع باشد، لذا از این جهت، عاریه مثل وقف می‌باشد. با توجه به این‌که عاریه درهم و دینار به اجماع فقیهان (برای اموری مثل تزئین) صحیح است، می‌توان گفت اجماع مزبور مؤید قول به جواز وقف درهم و دینار است. احتمال این که بین وقف و عاریه از این جهت تفاوت وجود داشته باشد، وجهی ندارد و قابل پذیرش نیست. (همو، جواهر الکلام، ۱۹/۲۸)

حضرات آیات سیدمحسن حکیم، سیدابوالقاسم خویی، وحید خراسانی و سیدعلی سیستانی در قالب عبارت مشترکی آورده‌اند: «وقف دراهم و دنانیر در صورتی‌که قابل انتفاع برای تزئین باشد، جایز است؛ اما وقف آن‌ها برای حفظ آبرو خالی از اشکال نیست.» (تفصیل فتاوی رانک به کتابهای منهاج الصالحین از مراجع مذکور به ترتیب ۲۵۰/۲، ۲۳۹/۲، ۲۷۲/۳ و ۴۶۲/۲).

۵- دیدگاه صحت وقف پول به اعتبار بقای مالیت آن

قائلان به صحت عبارتند از صاحب عروه مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی طباطبایی (یزدی طباطبایی، تکمله العروة الوثقی، ۲۶۴/۱) و شیخ جعفر کاشف الغطاء و حضرات آیات هاشمی شاهرودی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، مظاهری و گرامی که در ادامه برخی از کلمات ایشان آورده می‌شود.

از ظاهر عبارت شیخ جعفر کاشف‌الغطاء استفاده می‌شود که در وقف عین، آنچه مهم و هدف نهایی است دوام و استمرار منفعت است ولو این‌که دوام منفعت بسته به دوام و بقای عین موقوفه نباشد. بر این اساس وقف درهم و دینار صحیح است. ایشان در کتاب کشف الغطاء نوشته است: «وَ لاَ یَشْتَرِطُ دَوَامَ المنفعه بِدَوَامِهِ عَلَی اَلْوَقْفِ عَلَی اَلْأَقْوَی وَ یَصِحُّ وَقْف اَلدَّرَاهِمِ؛ در وقف دوام منفعت مشروط به دوام اصل مال موقوفه نیست و وقف دراهم جایز است.» (همانجا، ۲۴۹/۴)

به دیگر بیان، عبارت شیخ جعفر کاشف الغطا، قالب دیگری از وقف پول به اعتبار

مالیت آن است که مختار برخی مراجع معظم تقلید است.

استفتائات موجود نشان می‌دهد برخی فقیهان از جمله حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی، قائل به جواز وقف پول به اعتبار مالیت آن می‌باشند. معظم‌له در پاسخ به این سؤال که آیا وقف پول، اسناد تجاری و بهادار جایز است؟ فرموده است: «مشهور فقها، وقف پول را جایز نمی‌دانند؛ زیرا معتقدند که در وقف باید عین محفوظ بماند تا از منافع آن استفاده شود در حالی‌که در وقف پول، عین باقی نیست ولی به نظر حقیر در وقف یکی از دو شرط لازم است: ۱. عین موقوفه محفوظ بماند و از درآمد آن استفاده کنند؛ ۲. مالیت موقوفه محفوظ بماند یعنی به هیچ‌کس منتقل نشود و در وقف پول هرچند عین محفوظ نیست ولی مالیت آن مطلقاً محفوظ است؛ زیرا نه فروخته می‌شود و نه ارث می‌برند بلکه دست‌به‌دست می‌گردد تا از منافعش استفاده کنند.» (همو، استفتاءات مرکز پژوهشی وقف)

۶- وقف پول از نظر فقهای مذاهب اهل‌سنت

دراینجا بی‌تناسب نیست که نظر فقهای مذاهب اهل سنت نیز جهت مزید اطلاع خوانندگان آورده شود.

۶-۱. حنابله

زحیلی ضمن بیان نظر حنابله درباره آنچه وقف آن جایز نیست، وقف درهم و دینار را در زمره موارد بطلان وقف نزد آنان برشمرده است، معیاری که حنابله ذکر کرده‌اند این است که وقف هر آنچه که بیع آن جایز است و انتفاع از آن با بقای متصل عین آن ممکن می‌باشد مانند عقار و حیوان و سلاح و اثاثیه و امثال آن صحیح است؛ اما آنچه که انتفاع از آن موجب اتلافش می‌گردد مانند نقود و خوردنی و آشامیدنی و شمع و نظایر آن، وقفش نزد فقها صحیح نیست. (الزحیلی، ۱۶۲/۸)

ابن‌قدامه در مغنی می‌نویسد: «آنچه که انتفاع از آن با بقای آن تنافی دارد مانند درهم و دینار و خوردنی و آشامیدنی و مانند آن وقفش نزد فریقین صحیح نیست.» (همانجا، ۲۶۲/۸).

۶-۲. شافعیه

ابن‌همام در شرح فتح‌القدیر از قول شافعی نقل کرده است کـه: «آنچـه انتفـاع از آن بـا بقای عین آن ممکن بوده و بیع آن جایز باشد وقفش جایز است و این قول مالـک و احمـد نیز هست؛ اما وقف آنچه که انتفاع از آن موجـب اتلافـش مـی‌شـود ماننـد طـلا و نقـره و خوردنی و آشامیدنی نزد همه فقها جایز نیست و مراد هم غیر زیورآلات است که اگر برای تزیین باشد وقف آن جایز است.» (همانجا، ۴۳۱/۵)

ولی زحیلی درباره نظر شافعیه پیرامون وقـف درهـم و دینـار بـرای تـزیین هـم‌چنـین می‌گوید: «وقف دراهم و دنانیر برای تزیین صحیح نیست به جهت روایـت صـحیح و نظـر فقهی صحیح‌تر زیرا تزیین انتفاعی است غیرمقصود از درهم و دینار.» (زحیلی، ۱۸۸/۸)

۶-۳. حنفیه

طبق نظر حنفیه، وقف منقول جایز نیست مانند ساختمان و نهال که وقفش جایز نیسـت مگر آنکه تابع عقار و زمین موقوفه باشد و یا آنکه به‌طور خـاص نصـی پیرامـون صـحت وقف آن شیء منقول وارد شده باشد مانند نص وارد شده در باب وقف سلاح و اسب؛ و یـا نزد عرف، وقف آن بلااشکال باشد مانند وقف کتاب، قرآن، تبر، تیشه، ظروف، تابوت، کفن، درهم، دینار، مکیل، موزون و کشتی با همه امکاناتش.

دلیل بر جواز قسم اخیر ذکر شده در بالا این است که وقف این موارد نزد مـردم شـایع است و شیاع موجب می‌شود که این موارد نیز وقفش جایز باشد و آنچـه بـه دلیـل عرفـی ثابت می‌شود به نص نیز ثابت می‌گردد. (نقل از زحیلی، ۱۶۳-۱۶۴)

زحیلی در جای دیگری چنین می‌گوید که: «قدمای از حنفیـه وقـف دینـار و درهـم و مکیل و موزون را جایز دانسته‌اند ولی چنین وقفی امروزه صحیح نیسـت بـه جهـت آنکـه متعارف نیست.» (همانجا، ۱۶۲)

ناطق فتوا به جواز داده است. براساس آنچه که از محمد بن عبدالله انصـاری نقـل شـده

است از او سؤال شده با دراهم وقف شده چگونه عمل شود؟ پاسخ داد: بـا آن‌هـا مضـاربه می‌شود و درآمد آن به مصارف وقف می‌رسد. مکیل و موزون نیز به درهم و دینار فروختـه می‌شود و با درهم و دینارهای به دست آمده مضاربه می‌شود و درآمد حاصله صرف موارد وقف می‌شود. (ابن همام، ۴۳۲/۵)

۶-٤. مالکیه

ابن‌جزی مالکی می‌گوید: «حبس عقار مانند زمین، خانه، دکان، باغ، مسجد، چـاه، پـل، مقبره و راه و مانند آن جایز است ولی وقف طعام جایز نیسـت زیـرا انتفـاع از آن موجـب اتلاف آن می‌شود؛ ولی مالک و شیخ خلیل، وقف طعام و نقود را جایز مـی‌داننـد و همـین نظریه صحیح است زیرا طعام و نقود قرض داده شده و بدل آن اعاده می‌گردد کـه بـه‌منزلـه بقای عین آن می‌باشد. فقهای مالکی وقف منقول را به‌طور عموم جایز دانسـته‌انـد و وقـف طلا، نقره، درهم، لباس، غذا و کتاب را از مصادیق وقف جـایز مـی‌داننـد.» (الخطیـب،۹۱) بنابراین می‌توان گفت جمهور مالکیه و اکثر حنفیه وقف درهم و دینار را به هدف تجارت و صرف سود آن در جهت خیر و یا برای وام قرض‌الحسنه جایز می‌داننـد امـا حنابلـه وقـف درهم و دینار را صحیح ندانسته و آن را مخالف تعریف وقف می‌دانند.

شافعیه نیز استفاده از درهم و دینار وقفی را برای زینت یا تجـارت غیرمقصـود عرفـی دانسته و چنین وقفی را جایز نمی‌دانند.

قابل ذکراست که نشست پانزدهم مجمع بین‌المللی فقـه اسـلامی وابسـته بـه کنفـرانس اسلامی که در تاریخ ۱۴ تا ۱۹ محرم‌الحرام ۱۴۲۵ در مسقط عمان برگزار شد، وقـف نقـود را جایز دانسته‌اند.

گردهمایی دوم (مسائل فقهی وقف) که با شرکت ۶۰ تن از علما و اندیشمندان به‌وسـیله دبیر کل اوقاف کویت با همکاری بانک توسعه اسلامی در سال ۲۰۰۵ میلادی تشکیل شـد نیز وقف نقود را مجاز اعلام کرد. (شبکه خبری الوسط، ۲۰۰۵/۵/۲۳)

۷- ادله صحت وقف پول

برای صحت وقف پول به ادله متعددی استدلال شده است که در این‌جا دو دلیل آن را از نظر فقه و حقوق بررسی می‌کنیم:

۷-۱. اصل بودن انتفاع از موقوفه نه حسب عین

آنچه در وقف مهم است و واقف با توجه به آن اموالش را وقف می‌کند رسیدن دائمی و همیشگی منفعت به موقوف علیهم است. اگر حبس عین موقوفه در وقف مطرح شده به جهت این است که به‌طور عادی ثابت بودن و همیشگی اصل مال، دوام منفعت را به دنبال دارد. به تعبیر محقق اصفهانی، انتفاع از موقوفه مقصود اصلی و حبس عین مقصود فرعی و تبعی است و مقصود فرعی با مقصود اصلی مزاحمت نمی‌کند. (نکـ : اصفهانی، حاشیه کتاب المکاسب، ۱۳۵/۳)

از وقف به صدقه جاریه تعبیر می‌شود. این تعبیر نیز به همین جهت است که به‌طور مستمر منفعت به موقوف علیهم برسد، پس حبس اصل، جنبه مقدمی دارد و هرگز موضوعیت ندارد، لذا به‌اتفاق فقیهان در مواردی که انتفاع از عین موقوفه ممکن نیست، باید موقوفه فروخته شود و برای انتفاع و استفاده موقوف علیهم کالایی جایگزین تهیه گردد، در نتیجه در صورتی که با بقای مالیت پول، انتفاع از موقوفه ممکن باشد، وقف آن منعی نخواهد داشت.

پس اگر دوام منفعت با تبدیل و تبدّل عین نیز حاصل شود، هدف از وقف محقق است. چنین هدفی در پول حاصل است؛ چون اگر کسی پول را وقف کند تا به دیگران قرض‌الحسنه داده شود و یا معاملات تجاری با آن انجام دهند و منافع حاصله را در مطلق امور خیر یا مورد خاصی به مصرف برسانند، منفعت همیشگی است، گرچه عین خارجی دائماً در تبدیل و تبدّل است و ثابت نیست. آنچه باعث دوام منفعت پول در فرض مزبور می‌شود بقای مالیت آن در ملک نهاد وقف است، چون به فرض مثال اگر پول وقفی را

صدقه و یا هدیه به کسی بدهند علاوه بر انتقال عین خارجی، مالیت آن نیز برای وقف باقی نمی‌ماند در نتیجه منفعت آن برای موقوف علیهم دائمی نخواهد بود.

۷-۲. اصلاح تعریف وقف و تغییر عین به اصل

مشهور فقیهان در تعریف وقف، حبس عین را لازم دانسته‌اند و در نتیجه چون در وقف پول عین آن محفوظ نمی‌ماند، وقف باطل خواهد بود؛ لکن در روایات[1] در مورد وقف، تعبیر حبس‌الاصل آمده است نه حبس‌العین و در وقف پول، اصل پول که همان مالیت آن است، محفوظ خواهد ماند؛ بنابراین وقف پول و اوراق بهادار نیز صحیح خواهد بود.

بر این اساس، اگر کسی بخواهد اسکناس موجود با این خصوصیات شخصیش را وقف کند تا مثلاً بین نیازمندان تقسیم شود و آنان آن را مصرف کنند، وقف آن صحیح نیست؛ ولی اگر نظر به ارزش و مالیت اسکناس باشد که مالیت این پول وقف باشد و با آن سرمایه‌گذاری نموده و سود و درآمد آن برای موقوف علیهم صرف گردد و نظر واقف نیز به ارزش و مالیت اسکناس باشد در نتیجه وقف آن مانعی ندارد؛ زیرا گذشت که ارزش پول به همان مالیت آن است.

سید یزدی نیز وقف عین به لحاظ مالیت آن را صحیح دانسته و آورده است: «وقف مالیت مال گرچه ظاهراً به اجماع فقیهان صحیح نیست، اما مانعی از وقف عین به لحاظ مالیت وجود ندارد» (همو، تکمله العروة الوثقی، ۴۴/۱)

بنابراین گرچه عین خارجی پول، مدام در گردش است اما مالیت آن قابل بقا است؛ به‌عنوان مثال کسی که مبلغی پول در حساب بانکی خود به‌عنوان قرض‌الحسنه و یا هر عنوان دیگری می‌گذارد، گرچه عین وجوهی که تحویل بانک داده از دست او خارج شده و ده‌ها بار توسط سایر مشتری‌های بانک دست‌به‌دست خواهد شد، اما ارزش و مالیت

---

۱. نوری،۴۷/۱۴ آورده است: اِبْنُ اَبی جُمْهُور فِی عوالِی اَللَّئالِی عَن اَلنَّبیِّ ص انه قَالَ: حَبِّسَ اَلاُصْلِ وَ سَبِّلَ اَلثَّمَرَه. وَ فی دُرَرِ اللآلی عَنْهُ ص انْهَ قَالَ: اَنَّ شِئْتَ حَبَّسْتَ أَصْلَهُ وَ سَبَّلْتَ ثَمَرُهَا».

وجوهی که در حساب گذاشته برایش می‌ماند، لذا اصل پول که در حقیقت همان مالیت و ارزش اعتباری آن است، قابلیت بقا دارد و می‌توان با بقای مالیت پول از آن منتفع گردید.

با توجه به این که مالیت پول قابل بقا است، وقف پول به دو صورت ممکن است اتفاق بیفتد:

صورت نخست: واقف عین پول را به اعتبار مالیت آن وقف کند؛

صورت دوم: واقف خود مالیت پول را وقف کند.

اگرچه قاطبه فقیهان وقف مالیت مال را نمی‌پذیرند اما سید یزدی با پذیرش آن آورده است: وقف ابدی مالیت مال گرچه از موارد اصطلاحی وقف نیست، اما مقتضای عموم ادله وقف صحت آن است و ما انحصار معاملات به آنچه که متداول است را قبول نداریم و معتقدیم هر معامله‌ای که عقلایی باشد و شارع نیز از آن نهی نکرده باشد صحیح است. (همانجا)

۷-۳. استدلال به عمومات صحت وقف

مقتضای عمومات صحت عقود، طبق: «اوفوا بالعقود» (المائده، ۱) و نیز عمومات باب وقف مانند: «الْوُقُوفُ تَكُونُ عَلَى حَسَبِ مَا يُوقِفُهَا أَهْلُهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (کلینی، ۳۷/۷، طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۰/۹) و اطلاق روایت «حَبِّسِ اَلاُصْلِ وَ سَبِّلِ اَلثَّمَرَه» همگی دال بر صحت وقف پول است و دلیلی برای اخراج پول از این عمومات وجود ندارد و شرایط صحت وقف نیز در وقف پول تحقق دارد.

به‌نظر می‌رسد در اینجا اختلاف فقهی وجود ندارد؛ بلکه یک اختلاف در مورد موضوع است که آیا برای پول منفعتی تصور می‌شود که اصل مالیت پول محفوظ بماند و بدون این که این اصل مصرف شود از منافع آن انتفاع ببرند یا چنین نیست. پس اگر تصور شود که مالیت پول که اصل آن است، محفوظ می‌ماند وقف آن صحیح خواهد بود و در غیر این صورت صحیح نیست.

طبق این اندیشه در هرجا که با حفظ مالیت، از پول در راستای تأمین هدف واقف، بتوان استفاده نمود، وقف صحیح است؛ اما اگر استفاده از پول توأم با از بین رفتن مالیت آن

باشد، وقف صحیح نخواهد بود. به‌عنوان مثال اگر واقف مبلغی را وقف کند تا به نیازمندان صدقه داده شود، به لحاظ این که با صدقه علاوه بر عین خارجی، مالیت آن نیز از دست مالک خارج می‌شود، وقف پول برای چنین اهدافی، صحیح نمی‌باشد؛ اما اگر پول را برای قرض‌الحسنه دادن یا انجام معاملات تجاری و صرف منافع آن در امور خیر وقف کند، به جهت اینکه مالیت آن باقی است، وقف صحیح می‌باشد.

در ترغیب به صدقه جاریه روایات متعددی وارد شده است، این روایات بر وقف مالیت دلالت دارد؛ با این توضیح که مصداق جریان، فقط حبس عین و بازداری آن از معامله نیست – چنانکه این مصداق در زمان صدور نص رایج بوده است– بلکه مصداق دیگری نیز برای صدقه جاریه وجود دارد و آن بقای مالیت شیء در ضمن اعیان مختلف متعاقب است. در این هنگام قوام جریان به تحبیس است، ولی محبوس گاهی عین و گاهی مالیت است. این بیان برای وقف مالیت با روایاتی که قائل به تحبیس اصل و تسبیل منفعت‌اند، معارض نیست، زیرا قرض و مضاربه دادن به محتاجان، تسبیل منفعت است.

۷-٤. صحت وقف پول، مبتنی بر صحت وقف مالیت

دلیل دیگر صحت وقف پول، آن است که بین وقف نقود و وقف سایر اعیان موقوفه تفاوت وجود دارد. وقف نقود از قبیل وقف مالیت است و با وقف سایر اعیان که وقف رقبه مال است، تفاوت دارد. در وقف رقبه، اصل رقبه مال باید با وجود انتفاع باقی بماند؛ ولی در وقف مالیت، بقای مالیت، با وجود انتفاع کافی است. وقف پول از قبیل وقف مالیت می‌باشد و با وقف اعیان تفاوت دارد نظیر تفاوت بین ودیعه اعیان و ودیعه نقود از این حیث که منظور از اولی حفظ عین و مقصود از دومی حفظ مالیت است. لکن این استدلال مبتنی بر پذیرش صحت وقف با اعتبار وقف مالیت است.

۷-۵. برآورده شدن اهداف وقف توسط وقف پول

وقف پول می‌تواند تمامی مقاصد شرعی وضع وقف را برآورده نماید؛ زیرا غرض از

وضع وقف، تحقق مصالح عمومی در اقتصاد است. از آنجایی که یاری رساندن به فقرا و محتاجین و رشد اقتصادی و ساخت مساجد، بیمارستان، مدارس، حوزه‌های علمیه، مراکز خدماتی، انتشار کتاب‌های مفید، کفالت ایتام، کمک‌رسانی به رزمندگان اسلام و... از اهداف در نظر گرفته شده برای وضع وقف است و با توجه به مشکلات وقف عقار، همچون هزینه‌های سنگین نگهداری موقوفات و سختی فروش در صورت ضرورت، وقف پول می‌تواند این اهداف را در جامعه اسلامی به‌راحتی محقق نماید. اگر از لسان ادله دریابیم که علت مشروعیت و استحباب وقف، تحقق اهداف ذکر شده است، حکم دائر مدار این علت خواهد بود. پس اگر وقف پول توانست این اهداف را تحقق ببخشد، مشروع خواهد بود؛ ولی اگر از لسان ادله این مطلب را درنیابیم، تحقق اهداف وقف توسط وقف پول، مؤید و شاهدی بر نبود مشکل در صحت وقف پول است؛ ولی به هر حال این دلیل قابل پذیرش نیست؛ زیرا این‌گونه ادله بیشتر به استحسانات شبیه است که در فقه شیعه ملاک استخراج احکام محسوب نمی‌شود.

۷-۶. ملازمه بین وقف و عاریه

یکی از ادله قائلان جواز وقف پول، ملازمه عاریه و وقف است. نحوه استدلال این‌گونه است که صحت عاریه درهم و دینار اجماعی است و هر چیزی که عاریه آن صحیح باشد، وقف آن هم صحیح است. برای مثال علامه حلی می‌فرماید: برخی از علما وقف درهم و دینار را جایز می‌دانند، به دلیل اینکه امکان انتفاع از آن به همراه بقای عین وجود دارد و دلیل خود را صحت عاریه می‌دانند؛ همچنین صاحب جواهر پس از بیان نظریه خود مبنی بر صحت وقف درهم و دینار می‌فرماید: «مؤید صحت آن وجود اجماع بر جواز اعاره دراهم و دنانیز است. اعاره در معتبر بودن منفعت، همانند وقف است و احتمال وجود تفاوت بین وقف و اعاره در این مقام هیچ وجهی ندارد.» (همو، جواهرالکلام ذیل بحث وقف) لیکن حسینی عاملی در «مفتاح الکرامه» این دلیل را بر صحت وقف پول مردود

می‌داند و می‌فرماید: «اگر گفته شود که همان‌طور که اعاره دراهم و دنانیز صحیح است، وقف آن‌ها نیز صحیح می‌باشد، می‌گوییم که بین وقف و عاریه هیچ ملازمه‌ای وجود ندارد اگر ملازمه‌ای بود، نباید علما در یک مورد اتفاق و در مورد دیگر اختلاف داشته باشند. شاهد آن هم این است که همه فقها متفق‌القول در عدم جواز وقف اطعمه هستند؛ حال آنکه برخی اعاره آن را در مواردی جایز شمرده‌اند» (حسینی عاملی، همانجا، مبحث وقف) این دلیل به این شکل نیز قابل مناقشه است که بر فرض پذیرش ملازمه بین عاریه و وقف، صحت وقف دراهم و دنانیر فقط در فرض بقای اصل و تسبیل منفعت (همچون علامه حلی) جایز دانسته شده که از محل بحث ما که صحت وقف پول است، خارج است.

۸- نتایج مقاله

۸-۱. رکن اصلی در وقف، انتفاع مستمر موقوف علیهم از موقوفه است و حبس عین موقوفه و بقای عین، جنبه مقدمی دارد تا موقوف علیهم به‌صورت مستمر بتواند از موقوفه بهره ببرند، پس وقف پول به اعتبار مالیت آن اشکالی ندارد؛ زیرا مالیت آن می‌تواند بقای مستمر داشته و موقوف علیهم از منافع آن بهره می‌برند، هرچند عین پول تغییر کند.

۸-۲. در تعریف وقف باید بر طبق صریح روایات واژه عین را به اصل تبدیل نموده و بگوییم وقف تحبیس اصل و تسبیل منافع است؛ در وقف پول نیز اصل که همان مالیت پول باشد، محفوظ بوده و از منافع آن انتفاع می‌برند؛ هرچند عین پول محفوظ نیست.

۸-۳. براساس عمومات صحت وقف و صدقه جاریه، وقف پول نیز صحیح بوده و دلیلی برای اخراج وقف پول از این عمومات نداریم.

پی‌نوشت

استفتائات مراجع

۱. آیا وقف پول از منظر اسلام صحیح است؟

۲. آیا وقف سهام از منظر اسلام صحیح است؟

۳. بر فرض پذیرش وقف پول و سهام، آیا جایگزینی واقف امکان‌پذیر است؛ بدین معنا که مشروط به اینکه وقف و نیت واقف و سایر موارد محفوظ بماند، آیا می‌توان واقف دیگری را جایگزین واقف اول نمود؟ همین بحث در وقف املاک و مستغلات نیز مطرح است که آیا جابه‌جایی واقف امکان‌پذیر است؟ در صورتی که جواب مثبت باشد افراد می‌توانند برای مدت کوتاهی نیز از ثواب وقف بهره‌مند گردند و مطمئن هستند که در صورت نیاز مسیر آن‌ها توسط افراد دیگر ادامه می‌یابد.

پاسخ مراجع و علما

حضرت آیت‌الله‌العظمی حسینی سیستانی

۱. شرط صحت وقف این است که عین باقی باشد و از منافع آن استفاده شود و این امر در پول ممکن نیست.

۲. در مورد سهام نیز همین امر باید رعایت شود. اگر سهام مربوط به شرکتی باشد که املاک و مستغلات دارد، به این لحاظ وقف صحیح است؛ ولی وقف اموال نقد و مال‌التجاره و امثال آن صحیح نیست.

۳. با محقق شدن وقف ارتباط مالکیت قطع می‌شود و دیگر آن عین مالکی ندارد که بخواهد ملکیت را به دیگری منتقل کند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی

در وقف شرط است که اصل مال باقی باشد و منافع آن وقف شود و لذا وقف پول صحیح نیست؛ اما اگر سهام متعلق به یک عین خاص خارجی باشد و در حقیقت وقف سهام، وقف بخشی از عین خاص خارجی باشد، صحیح است و تغییر واقف و جایگزین کردن دیگری صحیح نیست؛ اما واقف می‌تواند فرد دیگر را در قبال حال مشکل خود متولی این وقف قرار دهد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی

۱. وقف پول صحیح نیست.

۲. وقف قابل فروش و تبدیل نیست، مگر موارد خاصی که در فقه بیان شده است.

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

۱. وقف پول مانعی ندارد.

۲. در صورتی‌که شرکتی دارای سهامی باشد و این سهام به‌صورت اموالی مانند کارخانه، ساختمان و امثال آن بوده باشد، وقف آن سهام مانعی ندارد.

بعد از حصول وقف، بازگرداندن آن میسر نیست؛ حتی وقف سهم مشاع در اموال هم مانعی ندارد.

۳. در صورت وقف، موقوفه از ملکیت واقف خارج می‌شود و نمی‌تواند آن را به دیگری واگذار نماید.

حضرت آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی

۱. وقف پول صحیح نیست.

۲. وقف سهام اگر مربوط به عین باشد، اشکال ندارد.

۳. با توجه به اینکه وقف، ابدی است و تا عین مال باقی است، وقفیت آن ادامه دارد، جایگزینی واقف نسبت به عین موقوفه چگونه تصور می‌شود؟

حضرت آیت‌الله‌العظمی هاشمی شاهرودی

۱. وقف پول در صورتی جایز است که تبدیل به دین یا معاوضه در ذمه نشود؛ گرچه با پول‌ها و یا کالاهای دیگر مبادله شود؛ بنابراین تجارت با آن جایز است، به‌شرط آنکه اصل مالیت خارجی آن حفظ شده و در حین وقف تبدیل آن با حفظ مالیت خارجی شرط شود و سود آن صرف جهت وقف شود؛ هرچند احتیاط استحبابی در ترک آن است.

۲. وقف سهام در صورتی که آن سهام، سهام مالی باشد که شرایط وقف را داشته باشد، صحیح است.

۳. جایگزینی واقف به‌گونه‌ای که در سؤال مطرح شده است، شرعاً صحیح نیست.

استفتاء از حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای

۱. با توجه به اینکه در منابع فقهی در تعریف وقف «حبس الاصل و تسبیل الثمره» آمده است و پول جدای از ورقه و برگه کاغذی (معهود) اعتباری دارد که امروزه در قالب‌های مختلف عرضه می‌شود (چک‌پول، کارت اعتباری و انتقال وجه به‌صورت اینترنتی و...) و مضاربه هم به آن جایز است که اصل آن در خرید و فروش‌های متعدد ثابت است و منافع آن طبق قرارداد بین عامل و مضارب تقسیم می‌شود و یا در سپرده‌گذاری‌های بانکی که اصل آن ثابت و سود آن ماهیانه تقسیم می‌شود. حال نظر مستطاب عالی پیرامون وقف پول و استفاده از منافع آن در جهت نیت واقف، مورد استدعاست.

پاسخ: به نظر می‌رسد بقای مالیت پول، توجیه قابل قبولی برای صحت وقف آن است؛ و الله العالم. در این مسئله نیاز به اطلاق نیست؛ زیرا وقف جزو عناوین امضاء شده در شرع است و حکم تأسیسی نیست و شک نمی‌توان داشت که آن کسانی که وقف را تأسیس و در طول زمان‌ها اجرا کرده‌اند هدفشان این بوده که چیز ثابتی را بگذارند که عواید آن صدقه جاریه باشد. بلی ممکن است در آن روزگار چیز ثابت، منحصر در عین بوده است ولی این موجب اختصاص حکم به عین نمی‌شود چون غرض و هدف معلوم است و شارع مقدس همین را امضاء فرموده است. والحمدلله

۲. نظر به فتوای مقام معظم رهبری در جواز وقف سهام، آیا تبدیل موقوفه مانند ملک و کارخانه به سهم جایز است؟

پاسخ: اگر در وقف‌نامه مجوز فروش یا تبدیل مزبور داده شده باشد، با رعایت مصلحت وقف اشکال ندارد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادریس حلی، محمدبن احمد، السرایر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱هـ ق.
۳. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی، غنیة النزوع، قم، موسسه الامام الصادق، ۱۴۱۷ه.ق.
۴. ابن براج، عبدالعزیزبن نحریر... براج، المهذب، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ه.ق.
۵. ابن سعیدالحلی، یحیی، الجامع للشرایع (جامع الشرایع)، قم، انتشارات سید الشهدا العلمیه، ۱۴۰۵ه.ق.
۶. ابن حمزه، محمدبن علی بن حمزه، الوسیله، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ه.ق.
۷. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، ناشر، مکتبه القاهره، ۱۳۸۸ه.ق.
۸. ابن همام، محمدبن عبدالوهاب، شرح فتح القدیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ه.ق.
۹. اصفهانی، محمدحسین، حاشیه کتاب المکاسب، ذی‌القربی، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۶ه.ش.
۱۱. حلی، جعفربن محمد، شرایع الاسلام، ناشر موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۲. حلی، محمدبن حسن (فخرالمحققین)، ایضاح الفواید فی شرح مشکلات القواعد، ناشر موسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ه.ش.
۱۳. حکیم، سیدمحسن، منهاج الصالحین، قم، موسسه دارالرساله، بی‌تا.
۱۴. حسینی عاملی، سیدمحمدجواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۱ ه.ش.
۱۵. خویی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین، موسسه الخویی الاسلامیه، ۱۴۲۴ه.ق.
۱۶. خمینی، امام روح‌الله، تحریرالوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی.
۱۷. زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۵ه.ش.
۱۸. سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، دارالمورخ العربی، ۱۴۳۴ه.ق.
۱۹. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، ناشر دفتر آیه الله العظمی سیدعبدالاعلی موسوی سبزواری.
۲۰. سبزواری، محمدباقر، کفایةالاحکام، ناشر موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۸۱ه.ش.
۲۱. سبزواری، علی بن محمد، جامع الخلاف و الوفاق، قم، پاسدار اسلام، بی‌تا.
۲۲. سبحانی، جعفر، استفتاءات مرکز پژوهشی وقف.
۲۳. طوسی، محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۱ه.ش.
۲۴. همو، تهذیب الاحکام، دارالکتب السلامیه، ۱۳۴۶ه.ش.
۲۵. همو، الخلاف، موسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
۲۶. طباطبایی مجاهد، سیدمحمد، متاهل الاحکام، قم، موسسه آل‌البیت، بی‌تا.
۲۷. العاملی، محمدبن مکی (شهیداول)، الدروس الشرعیه، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ه.ق.
۲۸. العاملی، زین‌الدین (شهیدثانی) حاشیه بر شرایع، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ه.ش.
۲۹. فیض کاشانی، محمدبن مرتضی، مفاتیح الشرایع، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، بی‌تا.
۳۰. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ه.ش.
۳۱. کرکی، علی بن حسین (محقق ثانی)، جامع المقاصد، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۱۴ه.ق.
۳۲. کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاءعن مبهمات الشریعة الغراء، قم دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۰ه.ش.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، مراة العقول، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ه.ش.
۳۴. مدنی تبریزی، یوسف، دررالفواید فی شرح الفراید، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۰۳ه.

۳۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، انتشارات دارالکتب، ۱۳۹۳ه.ش.
۳۶. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسایل، قم، موسسهٔ آل‌البیت، ۱۴۰۸ ه.ق.
۳۷. وحید خراسانی،حسین، منهاج الصالحین، ناشر مدرسه الامام الباقر العلوم، بی‌تا.
۳۸. یزدی طباطبایی، سیدمحمدکاظم، تکمله العروةالوثقی، ناشر مطبعه الحیدری، ۱۳۷۸ه.ش.